روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹
تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵
www.sharghdaily.ir
دوشنبه ۳ مرداد ۱۴۰۱ • ۲۵ ذی‌الحجه ۱۴۴۳ • ۲۵ جولای ۲۰۲۲ • سال نوزدهم • شماره ۴۳۳۴ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۱۱ • اذان مغرب ۲۰:۳۵
اذان صبح فردا ۴:۲۸ • طلوع آفتاب ۶:۰۸

روزنامه شرق

• با خشک‌شدن آب رودخانه قزل اوزن در شهرستان طارم شاهد مرگ محیط زیست و گونه‌های جانوری مختلف که در نوع خود در کشور و حتی دنیا کمیاب و نایاب هستند خواهیم بود.
عکس: مهدی الماسی/مهر

دیالوگ روز

سارا، داریوش مهرجویی، ۱۳۷۱

سارا (نیکی کریمی) به همسرش حسام (امین تارخ):
تـا وقتی خونه پدرم بودم دختر کوچولوی اون بودم که نباید کاری می‌کردم کـه بابا بدش بیاد. باید خفه‌خون می‌گرفتم و نظرمو نمی‌گفتم، نکنه بابا ناراحت بشه. وقتی هم که اومدم خونه تو، همون خانوم‌کوچولویی شدم که باید مواظبش بودی تا اشتباه نکنه...

قانون‌خوانی

طرح توقیف و فعالیت تشکل‌های صنفی مشخص شد

در جلسه روز گذشته مجلس شورای اسلامی مصوب شد که تشکل‌های صنفی صرفا در چارچوب اساسنامه مجاز به فعالیت هستند و در صورت عدم رعایت این موضوع، مجازاتی برای آنان در نظر گرفته می‌شود. به نقل از خانه ملت، نمایندگان مجلس شورای اسلامی با ماده ۱۵، طرح نحوه تشکیل و فعالیت تشکل‌های صنفی- تخصصی موافقت کردند. طبق این مصوبه، تشکل‌ها صرفا در چارچوب اساسنامه مجاز به فعالیت بوده و در صورت ارتکاب اعمال زیر پس از تشخیص توسط مراجع قضائی و کمیته، حسب مورد علاوه بر مجازات‌های قانونی، طبق ماده (۱۶) این قانون با آنها برخورد می‌شود:

الف- نقض مبانی دین مبین اسلام و تبلیغ و فعالیت علیه موازین اسلامی؛

ب- هرگونه فعالیتی که مخل آزادی، استقلال، تمامیت ارضی و وحدت ملی، منافع ملی و مصالح جمهوری اسلامی ایران و نظم عمومی باشد؛

پ- اعمال خلاف قانون اساسی و نقض حقوق ملت از جمله ایراد تهمت، افترا، شایعه‌پراکنی، آموزش و ترویج خشونت؛

ت - عدم رعایت اساسنامه؛

ث - ارائه آثار غیرعلمی و خارج از حوزه صنفی - تخصصیِ موضوع اساسنامه.

ج - عدم ثبت درآمدها و منابع تأمین آن و مصارف و هزینه‌ها؛

چ- عدم ارائه دفاتر مالی به کمیته و عدم مطابقت درآمدها و هزینه‌ها با قوانین و مقررات کشور؛

ح- ترویج هرگونه اعمال منافی عفت.

تبصره ۱- تشکل‌ها مکلف‌اند ارتباطات خود با سفارتخانه‌ها، نمایندگی تشکل‌های کشورهای خارجی و بین‌المللی را با اطلاع وزارت کشور، وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و مجوز وزارت امور خارجه و دستگاه اجرائی مرتبط حسب مورد در چارچوب منافع ملی و امنیت ملی انجام دهند. دریافت هرگونه کمک از اشخاص حقیقی و حقوقی خارجی و دولت‌های بیگانه و سازمان‌های بین‌المللی صرفا با اطلاع و کسب مجوز از کمیته و وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی امکان‌پذیر است.

تبصره ۲- فعالیت تشکل‌های موضوع این قانون خارج از اهداف احزاب سیاسی موضوع بند «۱» ماده (۱) قانون نحوه فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی مصوب ۱۳۹۴/۱۱/۴ می‌باشد. انجام هرگونه فعالیت سیاسی از سوی تشکل‌ها ممنوع بوده و در صورت ارتکاب، پروانه فعالیت تشکل توقیف می‌گردد.

همچنین در ادامه رسیدگی به جزئیات گزارش شور دوم کمیسیون امور داخلی کشور و شوراها درمورد طرح نحوه تشکیل و فعالیت تشکل‌های صنفی-تخصصی به دلیل وجود ابهام در ماده (۱۶) این طرح و براساس ماده (۱۵۳) آن را به کمیسیون ارجاع دادند تا پس از بررسی مجدد به صحن علنی ارائه شود.

در ماده ۱۶ این طرح آمده است: برگزاری هرگونه اجتماع تشکل‌ها توسط وزارت کشور و سایر دستگاه‌های اجرائی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری ممنوع می‌باشد. در صورت تخلف از این ماده، دادستان مکلف است ضمن اقدامات لازم جهت جلوگیری از اجتماع مزبور، موضوع را از طریق مراجع صالح قضائی پیگیری نماید. در صورت برگزاری اجتماع موضوع این ماده، مرتکب به مجازات موضوع ماده (۵۷۶) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ محکوم می‌شود.

همچنین نمایندگان در ادامه با ماده (۱۷) طرح مذکور با ۱۳۳ رأی موافق، ۴۱ رأی مخالف و ۸ رأی ممتنع از مجموع ۲۳۷ نماینده حاضر در جلسه موافقت کردند.

در ماده ۱۷ این طرح آمده است: در صورتی که تشکل‌ها مرتکب تخلفات مذکور در این قانون شوند، کمیته متناسب با موارد تخلف و مدت یک ماهه برای اصلاح یک یا چند مورد از موارد زیر را اعمال می‌کند:

الف. تذکر شفاهی و مهلت یک ماهه برای اصلاح وضعیت؛

ب. تذکر کتبی با ذکر دلیل و تعیین تخلف؛

پ. تعلیق فعالیت تشکل حداکثر به مدت سه ماه؛

ت. توقیف پروانه به مدت سه ماه تا یک‌سال؛

ث. توقیف پروانه فعالیت و تقاضای انحلال از دادگاه صالح.

همچنین در تبصره ۱ ماده (۱۷) ذکر شده کمیته موظف است قبل از اتخاذ تصمیم از نماینده تشکل مربوطه جهت ارائه توضیحات و مستندات دعوت کند.

براساس این گزارش در تبصره ۲ ماده یادشده نیز آمده است: تصمیم کمیته جز تقاضای انحلال ظرف ۳۰ روز پس از ابلاغ توسط دبیرخانه کمیته، قابل شکایت در دیوان عدالت اداری است.

همچنین در تبصره ۳ ماده ۱۷ این طرح ذکر شده؛ در زمان توقیف پروانه، هرگونه فعالیتی در راستای اهداف و برنامه‌های تشکل، جرم بوده و در صورت ارتکاب، مرتکب به یکی از مجازات‌های درجه شش ماده (۱۹) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به‌استثنای مجازات حبس محکوم می‌شود.

رسانه من دیر است

محمدجوادلسانی

آلن پیتون (Alan Stewart Paton) نویسنده دردآشنایی است. اتفاقا در ایران نیز ناشناخته نیست و چند کتاب از او در سال‌های دور و نزدیک، به فارسی برگردان شده؛ ازجمله «بنال وطن» با ترجمه خوب سیمین دانشور. این کتاب به قول یک منتقد غربی، راهنمای درک انتقادی یک سرزمین آفت‌زده است. جانمایه این اثر درباره تغییر حال مردم یک سرزمین است که بر اثر تندباد حوادث، دچار مسائلی می‌شود که خواننده را به اعماق روایتی می‌برد که از تبعیض‌های آشکار مالامال است و مردمی که رنجی طولانی می‌برند. در این رمان، کشیشی به نام استفان کومالو حضور دارد. هنگامی که او باخبر می‌شود خواهرش در ژوهانسبورگ به‌سختی بیمار شده، با وجود تنگدستی بسیار، تصمیم می‌گیرد از روستا به شهر برود تا به وضعیت رنجور خواهرش رسیدگی کند؛ اما به محض ورود به شهر با نوعی درهم‌ریختگی و بی‌سامانی از نظر حفظ ارزش‌ها روبه‌رو می‌شود که از لابه‌لای گفت‌وگوها و روابط آدم‌ها بیرون می‌زند. این مواجهه او را سخت می‌آزارد و از این شکنندگی چارچوب‌ها در عرصه عمومی به حیرت می‌افتد. کشیش با ناراحتی به خانه برادرش می‌رسد. با افسوس درمی‌یابد که نزدیک‌ترین کس او گرفتار سست‌باوری و حتی دین‌گریزی شده. سپس بر بالین خواهرش حاضر می‌شود که با دیدن زوال اخلاقی در او، چنان برآشفته می‌شود که تلاش می‌کند هرچه زودتر پسرش را در هزارتوی شهر پیدا کند... . پیتون، کتاب دیگری هم دارد به نام «پرنده من دیر است» که منوچهر ولی‌نعمتی زحمت ترجمه‌اش را کشیده و باز هم درباره زوال تدریجی ارزش‌ها در جامعه است. پرنده‌بودن یعنی قابلیت پرواز. اگر ارتفاعی نگیرد، چه سودی از این امکانات؟... . این پیش‌درآمد آورده شد تا آمادگی مختصری برای فضای بحث ایجاد شود. بیراه نیست اگر گفته شود که مهم‌ترین دستاورد جهان امروز، گسترش روزافزون رسانه‌هاست؛ رسانه‌هایی که قدرت فرهنگ یک سرزمین را می‌توانند یادآور شوند و ارزندگی آن را برای سرزمین محبوبشان دوچندان کنند تا نسل پیش‌رو برای یک جامعه مدرن و نمونه بالیده شود. در واقع، یک رسانه بزرگ می‌تواند به‌مثابه یک طبیب ماهر، ضرورت وجودی خود را بر بالین بیمارش اثبات کند. نکته اصلی این یادداشت هم تلنگرزدن به این پزشک حواس‌پرت است؛ اما حقیقت تلخی که در این سال‌ها به وقوع پیوسته و نمی‌توان پنهانش کرد، این است که تشکیلات رسانه‌های پرمخاطب، گرفتار یک فراموش‌کاری شده‌اند. به طور نمونه، وظیفه سازمان صداوسیما این بوده که در کنار همه کارهای موظفی، برنامه‌ای جامع برای دیدن مسئله‌ها داشته باشد. دردهای کوچک و بزرگ شهر بسیار است و همه نیاز به معاینه و نسخه دارند. مسائل شهر را می‌توان به سمت خوبی برد تا در گفت‌وگوهای آزاد درمانی برایش یافت. مکان این درمانگری استودیوهای مجهز رسانه ملی است. هرچند که مسئولان رسانه اعلام می‌کنند این وظیفه را به‌خوبی بلدند؛ درحالی‌که آنچه اکنون به صورت نارسا و سایه‌وار مشاهده می‌شود، شبیه حکایت مولانا در مثنوی است که شخصی خواست هیکل شیر بر بازویش نقش شود؛ اما مدعی با تماس هر سوزن کبودی‌زن بر بازویش، دادش درآمد و جمله نامربوطی از دهانش خارج شد و آن را حکم بر نقاش کرد و گفت رسالت ما نقش‌شدن خود شیر است و از بقیه حاشیه‌ها باید گذشت که برای تن امن ما خطر دارد؛ اما در عمل آنچه اجرا شد، دیگر شیر نبود؛ چون اگر بی‌طرف داوری شود، آنچه بی یال و دم و اشکم حاصل شود، کارش نارساست و ربطی به رسانه ندارد. اکنون هم آنچه در این شبه‌برنامه‌ها به نام میزگرد و چراغ و گفت‌وگو شنیده یا دیده می‌شود، در حد همین رسم ناقص و بی‌خاصیت یا قلب واقعیت است. حتما کسانی که این رسانه را از گذشته‌های دور دنبال کرده‌اند، به یاد می‌آورند که ایده‌های بسامانی دراین‌باره شکل گرفت. در همان اوان انقلاب، «بحث آزاد» به صورت واقعی در همین استودیوها تجربه شد و کلی هم برای خود بیننده مفهوم پیدا کرد. گفته می‌شود یکی از بانیان یا تشویق‌کنندگان این امر، دکتر بهشتی بود. او با عزمی راسخ پا به میدان گذاشت و از همه گروه‌های مخالف حاکمیت دعوت کرد تا در صحن رسانه حرف‌های‌شان را بزنند. این کار مسئولانه، شهامت می‌طلبید؛ اما نتیجه آن به زیان انقلاب نشد؛ بلکه بر استحکام ارزش‌های حاکم افزود و آن را تضمین هم کرد. خاطره بحث‌هایی که سطح آگاهی جامعه را بالا برد و حتی گفت‌وگوی بابک زهرایی جوان چپ‌گرای رادیکال با دکتر بنی‌صدر لیبرال، با وجود ساعت‌های طولانی بحث و جدل، تماشایی و سودمند شد. در همین دهه‌های اخیر هم رئیس فعلی سازمان، دکتر پیمان جبلی، که در آن زمان دبیری اخبار شبکه دو را برعهده داشت، برای آخر شب‌ها تدارک شجاعانه‌ای دید تا اصحاب گوناگون فکری در جامعه بدون هزینه‌ای به جام جم بیایند و حرف‌های خود را بدون هیچ مانع و سانسوری ابراز کنند. به عبارت روشن مسئله را در رسانه باز کنند تا سبب آرامش مخاطب شود. اکنون از همین شخص رئیس توقع می‌رود که امکان بحث آزاد را بار دیگر به صورتی گسترده فراهم کند تا به جای آنکه شبکه‌های اجتماعی و کلاب‌هاوس تراز مطلق افکار شوند، عمود این خیمه به صورت صمیمانه و هنری، در رسانه ملی افراشته شود. قطعا با این تمهید ضروری هزینه‌ها چنان شکسته خواهد شد که نیازی به کشیده‌شدن کار به قوه قضائیه نخواهد افتاد. موج بازداشت‌های اخیر، در نگاه عمومی نگران‌کننده جلوه می‌کند و سبب خوراک برای تخریب ارزش‌ها هم شده. امید می‌رود که اشخاصی مانند مصطفی تاجزاده، محمد رسول‌اف، جعفر پناهی و مصطفی آل‌احمد که در همین چند روز گذشته بازداشت شده‌اند، هرچه زودتر آزاد شوند. آنها در شرایط مناسبی می‌توانند حرف‌های خود را به شکل کامل و مجهزتری در رسانه ادا کنند تا پاسخ‌های اقناعی به گوش مخاطبان برسد. اتفاقا با این کار ارزش‌های انقلاب هم تحکیم می‌شود. قطعا دوره کسانی که بار مسئولیت به دوش آنان گذاشته می‌شود، از طرف مخاطبان رسانه در پیشگاه تاریخ نقد خواهد شد. کاش هر مسئولی این را دریابد.

حرف دل - ۴

مقصد همین‌جاست

اکبریوسفی

اسماعیلی هنوز همان کت گشاد چند سال قبل را به تن داشت. چند بار با خودم گفتم کت‌بسته ببرم تا موهایش را کراتینه کنم بس که وز وزی بود. از کنارم رد شد و با خودش داشت دودوتا چهارتای ماه رمضان را می‌کرد احتمالا. نگاهش خیس بود و حواسش شاید سمت باقرآبادی ورامینی ته خط نازی‌آبادی یا شاید کوره‌پزخانه‌های فیروز بهرام!!! تماس می‌گرفت با فارغ‌التحصیلان برای کمک. خودش اول از همه آن کت گشادش را درمی‌آورد و آستین یاری‌اش را بالا می‌داد. همیشه جلوی صف بود.گاهی آنچنان طلب کمک می‌کرد و خودش را به در و دیوار می‌زد که آدم تصور می‌کرد صاحبخانه‌اش جوابش کرده و یخچال و قابلمه‌های زندگی‌اش کنار پیاده‌رو روی هم آوار شده. سال‌هاست که جمع کوچکی از دانش‌آموزانش را برای کمک به آنهایی که دست کاسه‌شده‌شان دیده نشده را به خط کرده برای تأمین اندکی روزی. گاهی از زمان آموزش مساعده می‌گرفت و بی‌محابا به امور کمک‌رسانی می‌پرداخت. جوری تخت گاز می‌رفت که متصور می‌شدی شوماخر با بیست ایربگ غیرایران‌خودرویی در پیست مالزی بی‌هیچ دغدغه‌ای به دنبال افتخاری دیگر است. جوری برای نیازمندان خرج می‌کرد که ایلان ماسک برای خرید توییتر!!!! ساعت ۸ شب بود و هنوز در مدرسه با مهدی خانی دور دور می‌کرد. رفتم جلو برای خداحافظی که دستم را رها نکرد و گفت اینم سرچراغی از من داشته باش.

با انگشت اشاره و شستش خیسی دور لبانش را گرفت و گفت: «وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ» و بدانید که خدا میان آدمی و دلش حائل می‌گردد».

و ادامه داد «حواست باشه اگر دلت به سمت حقیقت اشاره کرد، مقصد همان است».

و هرچه فکر کرد ندانست این سخن از کیست که می‌گفت حقیقت از منظر انسان‌ها متفاوت است در حالی که ذات آن ثابت.

*انفال/۲۴

چه خبر

۲ هفته فرصت برای شرکت در جایزه شعر احمد شاملو

تاکنون بیش از ۱۵۰ عنوان مجموعه شعر از اقصانقاط ایران برای شرکت در هشتمین دوره جایزه شعر شاملو به دبیرخانه جایزه رسیده و داوران مرحله اول نیز مدتی است کار بررسی کتاب‌ها را آغاز کرده‌اند. امسال هم مانند دوره‌های گذشته، به خاطر استقبال علاقه‌مندان، مهلت ارسال کتاب برای شرکت در این رقابت ادبی تا پانزده مردادماه تمدید خواهد شد. ازاین‌رو از شاعران گرامی و ناشران محترمی که علاقه‌مند به شرکت در این رقابت هستند، دعوت می‌شود تا «سه نسخه» از کتاب‌های چاپ اول «شعر نو» خود را که در سال ۱۴۰۰ منتشر شده (توضیح آنکه تاریخ مورد استناد، تاریخی است که در شناسنامه کتاب درج شده)، حداکثر تا پانزده مردادماه برای دبیرخانه ارسال کنند. نشانی دبیرخانه در کرج، بلوار جمهوری، بوستان چهارم، پلاک ۳۲۳، واحد پنج با کد پستی ۳۱۴۳۹۶۵۵۹۸ قرار دارد و ارسال کتاب را به منزله علاقه‌مندی به شرکت در رقابت ادبی جایزه شعر تلقی کرده و تنها کتاب‌های ارسال‌شده در این رقابت شرکت داده خواهند شد. ضمنا مهلت ارسال کتاب بیش‌ازاین تمدید نخواهد شد و دبیرخانه از شرکت‌دادن کتاب‌هایی که پس از نیمه مرداد رسیده باشد، معذور خواهد بود. نتایج مرحله نخست هشتمین دوره جایزه شعر احمد شاملو و اسامی مجموعه شعرهای برگزیده مرحله نخست این دوره و شاعران برگزیده در بخش‌های «هوای تازه» و «مدایح بی‌صله» روز اول مهرماه در بیانیه داوران مرحله اول و برگزیده نهایی در روز بیست‌ویکم آذرماه، مقارن با نودوششمین سالروز تولد احمد شاملو، در مراسم اختتامیه اعلام خواهد شد.

هفته‌نوشت

آزارگری، ابزاری برای برتری‌طلبی

الهام فخاری

کم‌شدن تاب‌آوری، خشم و تندی را در زندگی روزمره از کف کوچه و خیابان تا خانه و خویشاوندان می‌بینید. این روزها کار به جایی رسیده که گوشه و کنایه، نیش زبان، متلک و تندگویی و کوچک‌کردن دیگران در سخنان کسانی خبری و پخش می‌شود که جاهای گوناگون مدیر شده‌اند. بداندیشی، دست‌کاری، وارونه‌نمایی، بازی‌دادن، انگولک‌کردن، زهرچشم‌گرفتن، تهمت‌زدن، نیرنگ، شایعه‌ساختن، گیرانداختن و سرک‌کشیدن سرخود به زندگی دیگران همه نمودهایی از آزارگری به‌ویژه آزار روانی است. این شیوه‌های آزار به آشفتگی، ازدست‌دادن تمرکز، افزایش تنش و هیجان‌های بزرگ از جنس خشم، هراس و اندوه می‌انجامند. آزارگری همه جا و از سوی هر کسی می‌تواند انجام شود: همسر و هم‌خانه، پدر و مادر، خویشاوندان، همسایه، همکار یا مدیر در موقعیت‌های گوناگون. جایی مسئله چشمگیرتر است که آزارگری از سوی بالادستی‌ها، توانمندترها و برتری‌جوها رخ می‌دهد و ابزاری برای آسیب و مهار دیگران و ماندن در قدرت می‌شود. از این روش‌های آزارگرانه با واژه «دام»های روانی برای گیرانداختن، آلوده‌ساختن و پس‌زدن دیگران یاد می‌شود. ما در چنین وضعیتی که زشت‌ترین واژه‌ها و برداشت‌ها برای فروکاستن دیگران و آزار از سوی کسانی که باید رویکردی فراگیر و روادار به همگان داشته باشند، به کار می‌رود، چه باید بکنیم؟

«آزار روانی: خشونت ایذایی در زندگی روزمره» نوشته‌ای از ماری-فرانس ایریگوین است که با برگردان کیان فروزش از سوی نشر دانژه سال‌ها پیش چاپ شد. رده‌بندی موضوعی این نوشته رنج و خشونت است که این روزها چالش برجسته زندگی ما به شمار می‌رود.

نویسنده این نوشته روان‌پزشک و روان‌درمانگری است که چیزی به نام «قربانی‌شناسی» را بازشناسی کرده، به آموزش و پژوهش در این زمینه پرداخته و پژوهش‌های خود را بر خشونت روانی، آزار روانی و خشونت ویرانگر در زندگی کانون‌مند کرده است.

در پیشگفتار اشاره شده که «واژه‌ها می‌توانند آدم را بکشند، کوچک کنند، بی‌آنکه دست‌ها آلوده شوند...». اینجا با یادکرد از تجربه‌های همه ما از آزار و آسیب‌های روانی در خانواده، کار و زندگی سیاسی-اجتماعی به راهبردهای گوناگون ازجمله وانمودکردن به نشنیدن و ندیدن، با توجیه رواداری و بردباری، پرداخته شده است. به باور نویسنده این راهبرد در بیشتر جاها به بی‌پرواترشدن آزارگر و میدان‌دادن به آزار می‌انجامد. اینجا نمونه‌هایی از همدستی دانسته یا ندانسته خودمان در آزارهای روانی که دیگران انجام می‌دهند، بازگو شده است. برای نمونه به‌روشنی می‌گوید که بیشتر مردم در برابر فریب‌ها و دست‌کاری‌های فرادستان و قدرتمندان زیاد چشم‌پوشی می‌کنند. این در حالی است که رواداری و هم‌زیستی مرزها و چارچوب‌های روشن دارد و به معنای چشم‌پوشی همیشگی نیست. آزار همانا پاگذاشتن در مرزهای روانی دیگری/دیگران است.

این نوشته روان در سه گفتار که هرکدام زیربخش‌هایی دارند، سازمان‌دهی شده است. گفتار نخست «خشونت ایذایی در زندگی روزمره» در دو بخش خشونت خصوصی و آزار روانی در کار بازگو می‌شود. ما برای آنکه در برابر آزار روانی کنشگران توانمندی باشیم نخست باید بدانیم آزار روانی چیست و چگونه و کجاها رخ می‌دهد. گفتار با نکته ارزنده‌ای آغاز می‌شود: اینکه گویی بسیاری از آزارهای روانی و گفتاری در زندگی روزمره هنجار و فراگیر شده‌اند. در اینجا با بازگوکردن نمونه‌هایی از زندگی زناشویی و تعامل‌های درون‌خانواده مسئله روشن‌تر می‌شود. در بخش دو این گفتار معنای آزار روانی در سازمان کاری، فرد هدف آزار، چیستی و چگونگی آزارها و یورش‌های آزارگرانه و سپره سازمان‌های کاری که به آزارگران میدان می‌دهند بازگو شده است.

گفتار دو در پنج بخش فریب آزارگرانه، تعامل آزارگرانه، خشونت آزارگرانه، آزارگر و آزاردیده به رابطه‌ها و تعامل‌های آزارگرانه می‌پردازد. راهبردهای تعاملی مانند زبان دگرگون‌شده، فریب و نیرنگ، متلک و ریشخند و فروکاستن، بهره‌جویی از تناقض‌ها، بی‌صلاحیت‌کردن دیگران، تفرقه‌انداختن و بهره‌جویی از زور بالادستی با نمونه‌هایی روزمره و کلان بازگو شده‌اند. نکته برجسته این است که با چگونگی نفرت‌پراکنی و اثرگذاری آزارگر و کنارنشستن آزاردیده (قربانی) آشناتر می‌شویم و ویژگی‌های آزارگر ازجمله خودشیفتگی آسیب‌رسان، خودبرتربینی، خون‌آشامی، بی‌مسئولیتی، بدبینی بیمارگونه و فرایند آزارگری را بهتر می‌شناسیم. همچنین درباره آزاردیده، خودسرزنشی‌ها و خودآزاری‌های پیامد آزار روانی، توان زندگی و بازسازی و آسیب‌پذیری‌های او آگاه‌تر خواهیم شد. گفتار سه هم در پنج بخش به پیامدهای آزار روانی پرداخته و هم گام‌گاه‌ها (مرحله‌ها)ی چیرگی آزارگر و گرفتارشدن آزاردیده (قربانی) در درازمدت و کوتاه‌مدت بازگو شده و هم راهبردها و روش‌هایی برای بازشناسی، انجام دگرگونی، ایستادگی روانی و پس‌زدن زورگو و آزارگر در خانواده و در سازمان‌ها و هم گستره جامعه نوشته شده‌اند. با خواندن این نوشته درمی‌یابیم که روند آزارگری روانی فرایندی دارد که دربردارنده واپس‌روی، آشفتگی، دودلی، تنش، ترش و کناره‌جویی آزاردیدگان است و در درازمدت فرد یا گروه یا جامعه را دچار ایستایی، نارسایی کارکردی، جدایی و چارکندگی و پوسیدگی خواهد کرد.

در وضعیتی که جامعه دچار چالش‌های گوناگون است اثر آزارگری روانی بیشتر به چشم می‌آید؛ چون تاب‌آوری مردم کاهش یافته و خشمگین هستند. یک مسئولیت برجسته کنشگران حرفه‌ای و مردمی این است که در گام نخست با آگاهی بیشتر بکوشند از آسیب بیشتر به جامعه و کشور پیشگیری شود و سپس با روش‌های سازنده و درست توان‌افزایی، روبه‌روشدن و ایستادگی آزاردیدگان و پس‌زدن آزارگران را به پیش ببرند. ما باید هم‌هنگام با سازمان‌دهی پیشگیری از آزارهای روانی به بازداری از پیشروی آزارگران فرادست بپردازیم. این کار شدنی است، اگر به این روند به‌مثابه درمان بایسته و چاره‌ساز فردی و اجتماعی بیندیشیم و برایش کار فراتر از کناره‌جویی، خاموشی یا افتادن به ورطه رفتارها و واژه‌های زشت و آزارگرانه آنها انجام دهیم.